

نظیری نیشاپوری و سبک هندی

دکتر عتیق الرحمن

گروه زبان عربی، فارسی، اردو و مطالعات اسلامی
دانشگاه و شوا بهارتی، بنگال غربی، هند

چکیده:

محمد حسین نظیری، شاعر بزرگ سبک هندی در نیمه دوم قرن دهم هجری در نیشاپور متولد شد. و پس از گذراندن تحصیلات به شاعری روی آورد و سپس عازم هند گردید. نظیری در سایر انواع شعر طبع آزمایی کرد ولی هنر خاص وی در سرودن غزل بوده و در غزل سرایی بیشتر به غزلیات خواجه حافظ شیرازی توجه داشته است. اشعار وی به سبک هندی سروده شده و اغلب ابیاتش دارای مضامین نو و معانی بدیع است. نظیری در ۱۰۲۱ هجری در احمد آباد (گجرات، هند) چشم از جهان فروبست و به خاک سپرده شد در مقاله حاضر سبک شعر وی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: شعر فارسی، سبک هندی، نظیری، سبک شعری وی.

زندگی: محمد حسین نظیری نیشاپوری، در نیمه دوم قرن دهم هجری در نیشاپور متولد شد. وی پس از گذراندن تحصیلات، به شاعری روی آورد و برای آموختن طبع، به کاشان که از مراکز مهم شعر فارسی در آن روزگار و محل تجمع شاعران سبک وقوع بود روی آورد و در چند مجلس طرح شعر بر شاعران معتبر سبک وقوع پیروز شد و سپس عازم هند گردید.^(۱)

سلاطین گورکانی هند در شبه قاره هند به حمایت گسترده از علم و ادب و هنر ایرانی پرداخته بودند و دربار آنان و دربارهای محلی امرایشان، مرکز تجمع بیشترین تعداد دانشمندان، صنعتگران، هنرمندان و ادب پیشگان ایرانی و ایرانی مآب شده بود. نظیری نیز با پیوستن به دربار جهانگیر (حکومت: ۱۰۳۷-۱۰۱۴ ه. ق/ ۱۶۲۷-۱۶۰۵ م) امپراتور گورکانی هند و سپس بارگاه سپهسالار او خان خانان به ثروتی افسانه ای دست یافت و مهمترین شاهکارهایش را در سالهای اقامت در هند آفرید. وی از ابتدای جوانی به سرودن شعر آغاز کرد و در اندک زمانی آوازه سخنش در خراسان و سایر شهرهای ایران پیچید و در زمره شاعران بنام قرار گرفت. او پس از گذراندن دوران جوانی در نیشاپور عازم کاشان و آذربایجان شد و سپس راه هندوستان در پیش گرفت و در دستگاه عبدالرحیم خان خانان و دربار جلال الدین اکبر شاه و پسرش جهانگیر شاه عزت و احترامی تمام دید. نظیری با وجود عرفی و شکیبی و فیضی و شاعران قوی دست دیگر که در دربار هند بود همواره احترام خود را محفوظ داشت و بیش از دیگران از عنایات ملوکانه برخوردار بود.

نظیری در انواع شعر طبع آزمایی کرده ولی هنر خاص وی در سرودن غزل بوده و در غزلسرایی بیشتر به غزلیات خواجه حافظ توجه داشته است. اشعارش به سبک هندی سروده شده است و اغلب ابیاتش دارای مضامین نو و معانی بدیع است.

نظیری در سال ۱۰۲۱-۹۹۱ هجری- در احمد آباد گجرات هند چشم از جهان فرو بست و در مسجدی که در نزدیکی منزل خود ساخته بود به خاک سپرده شد.^(۲)

اُثاروی: دیوان نظیری نیشاپوری مشتمل بر غزلیات، قصاید و ترکیب بند و رباعی است. از نظیری نیشاپوری دیوانی مشتمل بر انواع گوناگون شعر برجامانده که همه در حد کمالند و به استناد این اشعار متنوع، می توان نظیری را از شاعران جامع در ادب فارسی و از آخرین بقایای چنین شاعرانی دانست. وی در انواع و قالب های گوناگون شعر، استاد بود اما برتری انحصاری او که مورد شاعران دیگر بود، در غزل تجلی یافته و با توجه به همین غزلیات است که برخی منتقدان و از جمله علامه شبلی نعمانی او را از انبیای شعر فارسی دانسته اند و ابرشاعرانی چون صائب تبریزی مقام خود را فروتر از نظیری دانسته اند. شگرد انحصاری نظیری در غزل، ارائه تصویری مفاهیم انتزاعی و بویژه عواطف و احساسات بشری است و چون جوهره غزل نیز همین احساسات و عواطف است، غزل نظیری، مبدل به روایت ملموس و آشنای ملتہب ترین و نازکترین عواطف و احساسات گردیده به گونه ای که خوانندگان، به سرعت و در سرحد شدت، با دنیای عواطف گرم و تپنده نظیری پیوند می خورند. برتری های فنی غزل نظیری، ثروت او که خود نتیجه برتری های شعر وی است و نیز محبوبیت شخصی نظیری موجب تقلید وسیع شاعران معاصر و مابعد نظیری از غزلیات وی شده است به گونه ای که نظیری را مبدل به شاعری با تأثیر عمیق بر شعر فارسی معاصر و ما بعد خود ساخته است و حتی آنچه امروز جریان بازگشت ادبی خوانده می شود و عکس العمل شعر فارسی داخل ایران در برابر افراط گیری های اواخر سبک ہندی بود، چیزی نیست جز بازگشت به شگردهای موفق غزل نظیری نیشاپوری و تعدادی دیگر از شاعران قرن های دهم و یازدهم ہجری، هر چند که به رغم موفق بودن اصل غزل های نظیری، نمونه های تقلید شده از او در دوران بازگشت ادبی، به سبب فقدان اصالت، چندان موفق از آب در نیامد.

نمونه اشعار:

عیشم خوش از آن شعلہ فروخته باشد ن قلم دل ریش و جگر سوخته باشد
از محنت لب بستم آن کس شود آگہ کز تیغ جفا چاک دل دوخته باشد

در عرصه گلزار کند ناله ز تنگی مرغی که به کنج قفس آموخته با شد
از صد قه نفس چند زنی لاف مشکت همه سرب و جگر سوخته با
شد «نظیری»

نیکویی مادره بازار خریدند عیش به متاعیست که نفروخته باشد
(۳)

سبک هندی: اگر در رفتار و گفتار انسان ها تأمل کنیم در می یابیم که حالات و حرکات پوشش، طرز سخن گفتن، راه رفتن و خندیدن افراد متفاوت است. ما به این طرز رفتار خاص سبک می گوئیم. در عالم ادبیات، سبک مفهوم جدی تری دارد، برای مثال سبک هیچ یک از نامداران ادب فارسی با سبک دیگری شباهت ندارد؛ آنها در هنر خویش یگانه و در سبک خود منفرد اند. در سبک، یکی از شاخصه های خلا قیت و ابتکار نویسنده و شاعر به شمار می آید (۴)

سبک هندی مقدمات آن از دوره مغول فراهم شده بود با ظهور دول "صفویه" در ایران و "بابریه" در هند و نیز بر اثر بعضی عوامل اجتماعی و سیاسی و دینی به وجود آمد. پادشاهان صفوی برای حفظ استقلال ایران و تشکیل حکومت ملی، مذهب شیعه را به عنوان یک مذهب ملی و رسمی در سراسر ایران رواج می دادند و برای اشاعه آن تبلیغات دامنه داری را آغاز کردند و همین امر زوال مذهبی و سنتی گذشته را تغییر داد.

غزل از مهم ترین قالب های شعری سبک هندی است. جوهر اصلی غزل در این دوره عشق است. عشق با نوعی لاابا لیگری و رندی و فساد و بی بند و باری همراه با مبالغات مربوط به سوز و گداز عاشقانه اظهار تواضع بیش از حد نسبت به معشوق بیان می شوند. با این همه نوعی واقع گویی و بیان واقعیات زندگی نیز در شعر این دوره به چشم می خورد. مثلاً با دقت در ادبیات زیر می توان فهمید که چگونه شاعر از تجارب واقعی زندگی عاشقانه خود سخن می گوید :

نه فوت صحبت این دوستان غمی نه مرگ مردم این عهد ما نمی دارد
دارد (۵)

نخست عشق به میخانه کرد به گرد مدرسه گردید نست نا
معقول نزول

ز راه ضربت دستت رقص بی سماع عشق نخیزد مگر ز اصل
حالاں اصول (۶)

اما این واقع گرایی در عشق به تد ریح در پرده ای از خیال پردازی فرو
رفت ونوعی پیچیدگی وابهام در آن به وجود آید ونه تنها شور وهیجان را
از غزل گرفت بلکه درک آن را محتاج فکر ودقت فراوان کرد.
شاعرمی خواهد بگوید تبسم معشوق چنان زیبا ست که خنده گل درمقا بل
آن هیچ جلوه ای ندارد. در بیت زیر پیچیدگی شعر لطف آن را از میان
برده است.

دهان تنگش از من چشمه حیوان نهان خطش سر زد ز لب کای تشنه جان من
می داشت خضر این را هم (۷)

برخی از شاعران به دربار با بریه رفتند وبسیاری به شعر مذهبی خاص
مرثیه روی آورند .

قصیده سرایی وسرودن خاصه مدیحه از رونق افتاد وهمین موضوع امر
باعث می شد که شعر از دربار خارج شود وبه دست مردم وطبقات
مختلف بیفتد .

مدرسه هایی که در دوره سلجوقیان رونقی گرفته بودند، به تدریج از میان
رفتند وشاعران که غالباً اهل حرفه وکسب وکار بودند از مدرسه وعلوم
مدرسه فاصله گرفتند .از این رو، از یک طرف سنتهای درباری واز
طرف دیگر علوم مدرسه ای در شعر فارسی فراموش شد وبه جای این
دو، سنتهای مذهبی وحکمت عامیانه وارد شعر شد .

به این ترتیب معانی وبافت کلام در شعر به تدریج تغییر کرد وسبک
هندی آغاز گردید .از موضوعات شعری که در این سبک مورد توجه
است می توان به مرثیه اشاره کرد در مرثیه ها شاعران غالباً به مناسبت
خوشایند پادشاهان ویا بنا به اعتقاد خود شان گرایشی به این معنی پیدا
کردند.

مختصات شیوه شعر نظیری: نظیری نیشاپوری ودارای شیوه
مخصوص خود است. وی شاعری جامع بود زیرا در قالبها وانواع

متنوعی به عرضہ آثار پرداختہ و در ہمہ این انواع و قالب‌ها، پیروز و سرآمد بوده است. زمان ظهور او چندین ویژگی داشته است. نخست آنکہ در آن روزگار، تازہ گوئی و نوگرایی، ویژگی اصلی شعر فارسی محسوب می شود. شعر فارسی، هموارہ شعر نو بوده است. اما در روزگار نظیری، نوگرایی، حکایتی دیگر داشت. از قرن نهم، تمایلی افراط گونه به نوگرایی در شعر پارسی پدید آمد و در قرن‌های دهم و یازدهم چنان پیش رفت کہ ہمہی اجزا و ویژگی‌های شعر در خدمت نوگرایی و تازہ گوئی قرار گرفت. در این روزگار است کہ اصطلاحاتی چون تازہ گوئی، طرز تازہ، خیال خاص، روش تازہ، شیوہ تازہ، سخن تازہ و... در شعر فارسی رواج ہمہ گیر یافت. افراط در تازہ گوئی و فدا کردن دیگر مولفہ های شعری، بخشی از سبک ہندی را در ہند قرن یازدهم و دوازدهم ہجری پدید آورد کہ شعر و شاعر، بیش از حد طبیعی از مخاطب خود پیش رفتند و در نتیجہ، حاصل کار، قطع ارتباط شاعر و مخاطب گردید و سبک ہندی از ہمین جا محکوم بہ زوال گردید.

نظیری نیشاپوری نیز تازہ گوئی را سر لوحہی کار خود قرار داد با این تفاوت کہ تازہ گوئی را نہ هدف شعر، بلکہ مولفہ ای در خدمت ارتقای شعر قرار داد و در عین تلاش برای تازہ گوئی، سنت‌های غربال‌شدہی گذشتگان را نیز در شعر خود حفظ کرد، بہ گونه ای کہ تازہ گوئی او منجر بہ فاصلہ گرفتن شعر از مخاطبانش نشد، و پایبندی او بہ حفظ سنت‌های غربال‌شدہی شعری (نہ ہر سنتی)، موجب شد کہ نظیری مبدل بہ شاعری پیش رو و نوگرا در عین سلامت و استحکام شعر شود، چیزی کہ در روزگار نوگرایی افراطی، فراموش شدہ بود.

نظیری نیشاپوری در عین حال که همه‌ی مختصات مثبت شعر عصر صفویان و تیموریان هند را داشت، مختصاتی ویژه خود نیز داشت که به مدد همین مختصات، مبدل به شاعری مؤلف و صاحب شیوه‌ی مخصوص خود شد. وی همچنین متانت، سلامت و تندرستی شعر پیش از عصر صفوی را نیز حفظ کرده بود، چیزی که در شعر عصر صفوی، آرام آرام به فراموشی سپرده می شد و هرچه شاعران در تازه گویی، بیشتر فرو می رفتند، سلامت زبان و بیان را نیز بیشتر از کف می دادند و این بی سلامتی بیش از سبک وقوع در سبک هندی مشاهده می شد به گونه ای که شاعران نام آور سبک هندی از قبیل صائب تبریزی، در آزمون سلامت - سنجی، کارنامه‌ی قابل دفاعی ندارند. (۸)

نظیری نیشاپوری در آن بخش میراث شعریش که وقوعی است، زبانی بسیار ساده، صمیمی، و گراینده به زبان زنده و منعطف گفتار دارد. آنچه به محض زمزمه غزل‌ها و قصاید نظیری خودنمایی می کند، انعطاف و سیالیت شگفت آور زبان اوست. بیا ن شعر او نیز بسیار ساده است و صنایع در شعر او سوار بر شعر نیستند بلکه بسیار منعطف، طبیعی و در حدی که مقاصد شعر، اقتضا می کند، حضور می یابند. شعر نظیری چه غزل و چه قصیده، از این حیث، یاد آور شعر سعدی شیرازی است، هرچند که نظیری، خود اظهار می کند که به حافظ شیرازی اقتدا کرده است:

اما آنچه از نیمه‌ی وقوعی شعر او برمی آید، همسویی با شعر سعدی است.

نظیری در نیمه‌ی دیگر شعر خود، چهره ای دیگرگون دارد که برخی، آن را سبک هندی دانسته اند و حتی برخی ادیبان معاصر تنها ادیبان معاصر - نظیری را از شمار شاعران سبک هندی دانسته اند، اما این باور تنها در قرن اخیر پیدا شده. در قرن‌های پیشین (همان گونه که از عبد الرزاق دنبلی نقل کردیم) نظیری را شاعر وقوعی می دانستند و نیمه‌ی غیر

وقوعی شعر او نیز دقیقاً سبک هندی نیست، بلکه شیوئی تازه است که امتداد و گسترش آن، می تواند منجر به سبک هندی شود. گفتیم که نظیری، عموم مختصات مثبت شعر روزگار صفوی را به علاوه ی برگزیده ای از سنن گذشته ی شعر ونیز برخی افزوده های خاص خود را داشته است. اما کدام گروه از ویژگی ها بوده که شیوئی ویژه نظیری را پدید آورده و موجب شده که او را شاعری مؤلف و از انبیای شعر پارسی بدانند. همامیزی کدام ویژگی ها موجب شده که شاعران معاصر نظیری و شاعران پس از او زیر سیطره ی شعر او بروند به گونه ای که رد پای غزل های نظیری در دیوان معاصران وی و شاعران پس از او به وفور دیده شود و بالاخره چه عناصری موجب شده که ابرشاعری چون صائب، نظیری را برتر از خود و دیگر غول های عصر صفوی بدانند.

به نظر می رسد که هما میزی حساب شده و موفق ویژگی های ذیل، نظیری را در جایگاهی بلا منازع قرار داد و او را صاحب شیوه ای خاص خود ساخت که موجب رشک شاعران همعصر و پس از او گردید. علامه شبلی نعمانی، ادیب نام آور هندی در مجموعه ی عظیم شعر العجم، برگ برنده ی گروهی از شاعران را که سعدی شیرازی، امیر خسرو دهلوی و نظیری نیشاپوری در رأس آنان قرار دارند، مولفه ای با عنوان «محاورة بندی» خوانده است. محاوره بندی، بهره وری از زبان گفتار است که موجب صمیمیت و انعطاف و سیالیت زبان شعر می شود و علامه شبلی نعمانی بر آن است که علت صمیمیت فوق العاده ای که در شعر این گروه هست (از شعر هم همین صمیمیت انتظار می رود) همین محاوره - بندی است. در شعر امیر خسرو دهلوی، به سبب هندی بودن این شاعر، محاوره بندی به کار برد ترکیبات و جملاتی منجر شده که متعلق به زبان فارسی عام نیست و بیشتر به گویش هندی زبان فارسی تعلق دارد. در غزل سعدی نیز محاوره بندی در عین ملاحظات ادیبانه است و سعدی را با چهره ی یک آموزگار و ادیب می یابیم و در این میان، نظیری است که محاوره بندی را به کامل ترین شکل و البته در شکلی سالم به کار گرفته است.

ویژگی دیگری کہ برگ برنده‌ی نظیری و ویژگی منحصر بہ فرد او دانستہ شدہ، ملموس کردن عواطف و احساسات است بہ گونه ای کہ فردی ترین و عمیق ترین لحظات عاطفی کہ قابل بہ اشتراک گذاری با دیگران نیست، از طریق این شگرد نظیری، ملموس و قابل لمس می شود و نظیری می تواند این لحظات کاملاً فردی را بہ اشتراک بگذارد و مخاطب نیز می تواند با این لحظات، سہیم شود. نظیری استاد تجسیم و حسی سازی مفاهیم و احساسات است. بنابر این اگر مفاهیمی از قبیل خشم، عاطفہ، احساس، عشق، انتظار، ہيجان و ... را توصیف کنیم، امکان بہ اشتراک گذاری آنها و سہیم شدن مخاطب در درک آنها را کاهش دادہ ایم، اما اگر آنها را تصویری کنیم و بہ مقولات مرئی و ملموس ارجاع دہیم، بیشترین امکان مشارکت مخاطب در درک آنها را فراہم آورده‌ایم. ملموس کردن مفاهیم و احساسات، ویژگی منحصر بہ فرد شعر نظیری دانستہ شدہ و اگر نظیری می تواند از خصوصی ترین، صمیمی ترین احساسات بشری سخن بگوید و بشر را در این احساسات شریک و سہیم سازد، رازش در ہمین شگرد شگفت آور است.

اما نظیری نیشاپوری قصایدش را نیز با همان میزان توفیق غزل‌هایش می سراید، با زبانی صمیمی و سالم و در سرحد شاعرانگی:

ز ہنر بہ خود نگنجم چو بہ خم می مغانی بدرد لباس بر تن چو بہ جوشدم
معانی (۹)

ملکا بہ فضل و ہمت، من و تو چرا ننازیم؟ نہ مرا عوض نہ قیمت، نہ تو را بدل نہ
ثانی (۱۰)

تو ز من مدیح جویی، بہ سخن فرو نمانم ز تو من نوال خواہم، بہ کرم فرو نمانی (۱۱)
ہمہ عیش این جہانی بہ عنایت تو دیدم چہ عجب اگر بیایم ز تو زاد آن جہانی (۱۲)
شگرد انحصاری نظیری در غزل، ارائه تصویری مفاهیم انتزاعی و بویژہ

عواطف و احساسات بشری است و چون جوہرہ غزل نیز ہمین احساسات و عواطف است، غزل نظیری، مبدل بہ روایت ملموس و آشنای ملتہب ترین و نازکترین عواطف و احساسات گردیدہ بہ گونه ای کہ خوانندگان، بہ سرعت و در سرحد شدت، با دنیای عواطف گرم و تپندہ نظیری پیوند

می خورند. برتری‌های فنی غزل نظیری، ثروت او که خود نتیجه برتری‌های شعر وی است و نیز محبوبیت شخصی نظیری موجب تقلید وسیع شاعران معاصر و ما بعد نظیری از غزلیات وی شده است به گونه‌ای که نظیری را مبدل به شاعری با تأثیر عمیق بر شعر فارسی معاصر و ما بعد خود ساخته است و حتی آنچه امروز جریان ازگشت ادبی خوانده می‌شود و عکس العمل شعر فارسی داخل ایران در برابر افراط‌گری‌های اواخر سبک هندی بود، چیزی نیست جز بازگشت به شگردهای موفق غزل نظیری نیشاپوری و تعدادی دیگر از شاعران قرن‌های دهم و یازدهم هجری، هرچند که به رغم موفق بودن اصل غزل‌های نظیری، نمونه‌های تقلید شده از او در دوران بازگشت ادبی، به سبب فقدان اصالت، چندان موفق از آب در نیامد.

معاصران نظیری نیشاپوری و سبک هندی:

غنی کشمیری (متوفی ۱۰۹۷ ق) از سرآمدان سبک هندی به شمار است. غنی که به مشرب فقر و عرفان گرایش داشت، زندگانی در گوشه نشینی گذراند و در چهل سالگی این جهان را وداع گفت.

سلیم تهرانی: زیبایی بسیاری از تک بیت‌های شاعران "طرز نو" که در زمانه ما به "سبک هندی" نامبردار است، گاه با حلاوت غزلی شیوا برابری می‌کند. این ابیات معمولاً کشفی تازه را در خیال یا زبان شعر در بر دارند و چنانچه به خوبی دریافته شوند، تا مدتها دست از سر خواننده و خاطر او بر نمی‌دارند. این ابیات این قدرت را نیز دارند که به سادگی وارد زبان مردم کوچه و بازار بشوند و به عنوان ضرب المثل به کار روند.

کلیم کاشانی: شعر سبک ہندی و ادبیات دوران صفویہ نہ تنها بہ خوبی شناختہ شدہ و آثار آن، چنان کہ باید، مورد تتبع و تحقیق قرار نگرفتہ، بلکہ دیوار بلندی از پیشداوریہا و قضاوتہای غرض آلود آن را احاطہ کردہ است۔ تامل در نازک اندیشی ہای شاعران این دوران شاید روزنہ ای فرا روی شاعران جوان ما بگشاید تا بہ جای روی آوردن بہ شعر "ترجمہ ای" یا غرق شدن در با زیہای زبانی کہ بہ سرعت رنگ می بازند، وبہ جای دست و پنجه نرم کردن بیہودہ با قواعد دستور زبان و... فارغ از ہر تقلیدی بہ درنگ در خویشتن و کشف قلمروہای نا مکشوف خیال و فضاہای نا شناختہ احساس و اندیشہ پردازند۔

قدسی مشہدی: از شاعران مضمون پرداز سبک ہندی در قرن یازدہم ہجری است۔ او در قالبہای مختلف طبع آزمودہ است، اما در قصیدہ و مثنوی تواناتر می نماید۔ بیشتر قصاید قدسی در منقبت ثامن الائمہ حضرت رضا (ع) است۔ دیوان قدسی را استاد محمد قہرمان تصحیح و انتشارات دانشگاه مشہد منتشر کردہ است۔

دانش مشہدی (درگذشتہ پس از ۱۰۸۳ هـ ق) از لطیف گویان سبک ہندی است۔ دیوان او را استاد محمد قہرمان تصحیح کردہ است۔

پاورقیہا:

- ۱۔ دیوان نظیری، محمد رضا طاہری، مقدمہ، ص-س
- ۲۔ نظری بہ اشعار نظیری نیشاپوری، ص-۴۲
- ۳۔ دیوان نظیری، محمد رضا طاہری، ص-۱۴۵
- ۴۔ فارسی عمومی، ص-۱۶، ۱۷
- ۵۔ دیوان نظیری، محمد رضا طاہری، ص-۱۴۶

۶۔ همان، مح، ص-۲۲۹

۷۔ همان، ص-۳۶۷

۸۔ نظری بہ اشعار نظیری نیشاپوری، ص-۳۶

۹۔ دیوان نظیری، محمد رضا طاهری، ص-۴۴۵

۱۰۔ همان، ص-۴۴۷

۱۱۔ همان، ص-۴۴۸

۱۲۔ همان، همانجا

کتابشناسی:

۱۔ آتشکده آذر، بہ اہتمام سید جعفر شہیدی، نشر کتاب، تہران،

۱۳۳۷ ش

۲۔ اکبر نامہ، شیخ ابو الفضل مبارک، بہ اہتمام طباطبائی مجد، تحقیقا

ت فرہنگی، تہران، ۱۳۷۲ ش

۳۔ تذکرہ روز روشن، مولوی محمد مظفر حسین صبا، رکن زادہ

آدمیت، انتشارات رازی، تہران، ۱۳۴۳ ش

۴۔ تذکرہ کاروان ہند، تالیف احمد گلچین معانی، آستان قدس

رضوی، مشہد، ۱۳۶۹ ش

۵۔ تذکرہ میخانہ، ملا عبد النبی فخر الزمانی قزوینی بہ اہتمام احمد

گلچین معانی، انتشارات اقبال، چاپ سوم، بی تا

۶۔ تذکرہ نتایج الافکار، محمد قدرت اللہ گوپاموی، چاپ پانزدہم،

ممبئی، ۱۳۳۶ ش

۷۔ چہار مقالہ، نظا می عروضی، محمد قزوینی، زوآر، تہران

۸۔ حسن حسینی، بیدل سپہری و سبک ہندی، تہران، سروش، ۱۳۶۸ ش

۹۔ دیوان نظیری نیشاپوری، تصحیح وتالیقات، محمد رضا طاهری،

موسسہ انتشارات نگاہ، تہران، ۱۳۷۹ ش

۱۰۔ دیوان نظیری نیشاپوری، بہ کوشش دکتر مظاهر مصفا،

انتشارات امیر کبیر و زوآر، تہران، ۱۳۴۰ ش

- ۱۱۔ دیوان انوری، بہ کوشش سعید نفیسی، موسسہ انتشارات نگاہ،
تہران، ۱۳۶۷ش
- ۱۲۔ دیوان صائب تبریزی، بہ کوشش محمد قہرمان، انتشارات علمی
و فرهنگی، تہران، ۱۳۶۵ش
- ۱۳۔ دیوان قدسی مشہدی، بہ کوشش محمد قہرمان، دانشگاه فردوسی
مشہد، ۱۳۷۵ش
- ۱۴۔ دیوان کلیم ہمدانی، بہ کوشش محمد قہرمان، انتشارات آستان
قدس، مشہد، ۱۳۶۹ش
- ۱۵۔ دیوان ناظم ہروی، بہ کوشش محمد قہرمان، انتشارات آستان
قدس، مشہد، ۱۳۷۴ش
- ۱۶۔ ریکادو زیپولی، چرا سبک ہندی در دنیای غرب سبک باروک
خوانده می شود؟ انجمن فرهنگی ایتالیا، تہران، ۱۳۶۳ ش
- ۱۷۔ شعر العجم، علامہ شبلی نعمانی، ج ۳ اعظم گرہ، معارف پریس،
(چاپ پنجم)، ۱۹۵۶م
- ۱۸۔ علی رضا ذکاوتی قرا گز لو، گزیدہ اشعار سبک ہندی، مرکز
نشر دانشگاهی، تہران، ۱۳۷۲ ش
- ۱۹۔ فرهنگ اشعار فارسی، احمد گلچین معانی، مطالعات و تحقیقات
فرہنگی، تہران، ۱۳۶۴ش
- ۲۰۔ فرہنگ سخنوران، دکتر ع۔ خیامپور، تبریز، ۱۳۴۱ش
- ۲۱۔ فرہنگ معین، دکتر محمد معین، تہران.
- ۲۲۔ کتاب ایران (تاریخ ادب فارسی)، دکتر احمد تمیم داری، انتشارات
بین المللی الہدی، چاپ اول، تہران، ۱۳۷۹ش
- ۲۳۔ لغت نامہ دہخدا، علی اکبر دہخدا، تہران.
- ۲۴۔ محمد رسول دریا گشت، صائب و سبک ہندی، نشر قطرہ،
تہران، ۱۳۷۱ش
- ۲۵۔ مفلس کیمیا فروش، تالیف محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات
سخن، تہران، ۱۳۷۲ش.
- ۲۶۔ نظری بہ اشعار نظیری نیشاپوری، یاسمین رضوی ہلال، شمارہ
۶۱، ص ۳۲-۳۶، آبان ۱۳۴۵ش

۲۷۔ ہان قاطع، محمد حسین خلف تبریزی، بہ اہتمام م. سعیدی
پور، خرد، نیما، تہران؟ تاریخ سیاسی اسلام، دکتہ حسن ابراہیم حسن،
ترجمہ ابو القاسم پایندہ، جاویدان، پنجم ۱۳۶۲ ش

English Sources:

1. A Stranger In The City: The Poetics of Sabk-e-Hindi by Shamsur Rahman Faruqi, Oct.-Nov. 2003, Allahabad. (Internet)
2. History of Indo-Persian Literature, Nabi Hadi, Iran Culture House, New Delhi, 2001.